



قرآن

قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم) اختصاص پیدا کرده است گفته می‌شود. و چنان‌که برخی علما گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتب آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.^[۱]

فهرست مندرجات

- ۱ - اقسام معانی قرآن
- ۱.۱ - جامد
- ۱.۲ - مشتق
- ۱.۳ - برگرفته از قرء
- ۲ - دلایل قوی‌ترین اقوال
- ۲.۱ - دلیل اول
- ۲.۲ - دلیل دوم
- ۲.۳ - دلیل سوم
- ۲.۴ - دلیل چهارم
- ۳ - وظایف مسلمانان
- ۳.۱ - وظیفه عملی
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

اقسام معانی قرآن

در معنای قرآن و وجه پنج‌گانه ای گفته شده است^[۲] ^[۳] که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

← جامد

قرآن، اسمی جامد و غیرمشتق و علم ارتجالی است و بدون آن‌که پیشینه استعمال در زبان عرب داشته باشد، خداوند به عنوان اسم خاص برای وحی‌ای که بر پیغمبرش نازل فرموده، قرار داده است؛ مثل تورات و انجیل که اسم برای کتاب‌های حضرت موسی(ع) و عیسی(ع) هستند (شافعی).

← مشتق

الف) مشتق از قرن الشیء بالشیء؛ یعنی چیزی را به چیزی ضمیمه کردن. علت این نامگذاری، مقرون بودن سوره‌ها و آیات و حروف به یکدیگر است (اشعری و جمعی دیگر).
ب) قرآن، مشتق از قرائن، جمع قرینه است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند و بعضی بعض دیگر را تأیید می‌کنند. هر آیه از قرآن، قرینه آیات دیگر است (فراء).

← برگرفته از قرء

الف) از قرء به معنای جمع گرفته شده است. عرب وقتی بخواهد بگوید: آب را در حوض جمع کردم، می‌گوید: قرات الماء فی الحوض. علت این نامگذاری، آن است که این کتاب همه ثمرات کتب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است (ابن اثیر، زجاج و...).

ب) بر وزن رجحان و غفران، مشتق از ماده قرأ به معنای تلاوت است. در این‌جا از باب تسمیه مفعول به مصدر، مقروء، یعنی خوانده شده و یا خواندنی، به نام قرآن، یعنی خواندن به کار رفته است؛ مثل آن‌که کتاب، که به معنای نوشتن است، به مکتوب (نوشته شده) اطلاق می‌گردد (لحیانی و جمعی دیگر).

دلایل قوی‌ترین اقوال

از میان اقوال پنج‌گانه فوق، قول پنجم از همه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

← دلیل اول

زرقانی پس از رد سایر اقوال، همین قول را اختیار نموده است.^[۴]

← دلیل دوم

القراءة ضم الحروف و الكلمات بعضها الي بعض في الترتيل...؛ قراءت به معنای پیوند و ضمیمه نمودن حروف و کلمات به یکدیگر در هنگام ترتیل است. [۵]

← دلیل سوم

و قوله: «ان علينا جمعه و قرأه» ... القرآن هاهنا مصدر كالفرقان و الرجحان، و الضميران للوحي، و المعني: لاتعجل به، اذ علينا ان نجمع ما نوحيه اليك بضم بعض اجزائه الي بعض و قراءته عليك [۶] از آیه فوق به خوبی برمی‌آید که اگر حتی آن‌گونه که **ابن اثیر** گفته است، اصل در واژه قرآن معنای جمع باشد، به خاطر تفارن این واژه با واژه جمع در آیه شریفه ناگزیر قرآن به معنای قراءت و خواندن خواهد بود وگرنه تکرار آن امری لغو و بیهوده بوده، با **فصاحت** قرآنی منافات دارد.

← دلیل چهارم

دلیل دیگر که نظریه پنجم را تقویت می‌کند، امر «اقرا» در نخستین **وحی** بر **پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)** است که بی‌تردید به معنای «بخوان» است. لفظ قرآن نیز نخستین بار در آیه چهارم از **سوره مزمل** نازل شده که مطابق حدیث معروف **جابر بن زید و ابن عباس**، سومین **سوره** در ترتیب نزول سوره‌هاست. [۷] در این آیه، دستور چنین است: «و رتل القرآن ترتیلاً؛ [۸] و «قرآن» را شمرده شمرده بخوان.» در آخرین آیه از همین سوره نیز بار دیگر در يك فرمان همگانی اعلام می‌شود: «فأقرؤا ما نيسر من القرآن؛ [۹] هرچه از «قرآن» میسر می‌شود، بخوانید.» بدیهی است که منظور در هر دو آیه، قرآن خواندن است. نتیجه آن‌که روشن‌ترین و مناسب‌ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرا به معنای تلاوت کردن است.

وظایف مسلمانان

خداوند دو وظیفه اصلی و مهم برای مسلمانان نسبت به کتاب الهی بیان کرده است. خداوند در آیه ۶۳ **سوره بقره** می‌فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ؛ [۱۰] آنچه به شما داده شده را با قوت بگیرید.» این گرفتن باید به دو شکل علمی و عملی باشد. یعنی **تدبر** و فهم دقیق و عمیق و عمل درست و کامل. از **امام صادق (علیه‌السلام)** ذیل همین آیه می‌پرسند: «اقوه فی الابدان ام قوه فی القلوب؛ آیا به نیروی جسمها یا دلها؟» آن حضرت می‌فرماید: «فیهما جمیعا؛ به هر دو» [۱۱] خداوند در آیه ۲۹ **سوره ص** می‌فرماید: «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛ [۱۲] این کتابی مبارک است که به سوی تو فرستاده شده تا در آیات آن تدبر کنی.» و در آیه ۲۴ **سوره محمد** نیز می‌فرماید: «أَقْلًا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ [۱۳] چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند، آیا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟»

← وظیفه عملی

این دو آیه وظیفه علمی ما را نسبت به قرآن بیان می‌کند. اما درباره وظیفه عملی نیز می‌فرماید که **مسلمانان** باید این‌گونه باشند: «کانهم بُتِيَانٌ مَرْضُوصٌ» [۱۴] یعنی مسلمانان باید به گونه‌ای عمل کنند که دیگر نفوذ ناپذیر شوند و کسی قصد و نیت حمله پیدا نکند. باید اهل **استقامت** و پایداری در **دین** باشند: «فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ [۱۵] پس، همان‌گونه که دستور یافته‌ای، ایستادگی کن و هرکه با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.» مسلمان باید به گونه‌ای باشد که **دشمن** وقتی می‌آید می‌بیند که نمی‌تواند نفوذ کند و «وَلِيَجْذُوا فِيكُمْ غِلْظَةً؛ [۱۶] باید در شما غلظت و سختی باشد» که کسی دیگر **طمع** نرزد. البته در میدان **جهاد** باید حمله کرد و غلظت داشت: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ [۱۷] با **کفار** و **منافقان** جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!» اما در حالت عادی نمی‌خواهد این‌گونه رفتار کنید بلکه باید کسی که از بیرون شما را ببیند دزدی استوار و نفوذناپذیر ببیند و لازم نیست حمله کنید تا غلظت و سختی خود را در حمله به نمایش بگذارید، بلکه همین غلظت و سختی را در شما بیابند. پس وظیفه هر مسلمانی نسبت به قرآن این است که در آن تدبر کند و مفاهیم آن را بفهمد و در مقام عمل به شدت بر عمل به آن مراقبت و مواظبت نماید و کوتاه نیاید و از **حدود الهی** تجاوز نکند و اجازه تجاوز و عصیان ندهد.

پانویس

- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲. [۱]
- ↑ بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.
- ↑ سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.
- ↑ زرقانی، محمد، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴. [۲]
- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، راغب، مفردات، ص ۶۶۸. [۳]
- ↑ طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۹. [۴]
- ↑ سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۱.
- ↑ مزمل/سوره ۷۳، آیه ۴. [۵]
- ↑ مزمل/سوره ۷۳، آیه ۲۰. [۶]
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۶۳. [۷]
- ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۲۶. [۸]
- ↑ ص/سوره ۲۸، آیه ۲۹. [۹]
- ↑ محمد/سوره ۴۷، آیه ۲۴. [۱۰]
- ↑ صف/سوره ۶۱، آیه ۴. [۱۱]
- ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۲. [۱۲]
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۳. [۱۳]
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۷۳. [۱۴]

منبع

